



Fekr-e Rooz

روایت نیمه دیگر

هفته نامه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی
شماره نوزدهم ۱۸۰ خرداد ۱۳۸۲ قیمت: ۲۵۰ تومان



شورای نگهبان قبول می کند



نشست مشترک



به سرنوشت معتقدم

کنوانسیون پردردسر! حتی با حق تحفظ هم نشد!

آنگ سان سو کی؛
زنی که آزادی را از خانه اش صادر می کند
زنان کی به «آزادی» می رسند

General Reservation

موج اول فمینیسم (بخش اول) تولد حقانیت از درون آشوب‌های سیاسی-اجتماعی

والری ساندروز
برگردان: شیوا مقالو

و حتی به این امید بسته بود که «زنان به جای این که بدون هیچ مشارکت واقعی، فقط گاه و بی گاه در حکومت شرکت داشته باشند، باید نمایندگانی داشته باشند تا حضور آنان را در مذاکرات حکومتی مجاز گردانند». با این همه طرح مشارکت در قانون گذاری مملکتی هم چنان مسکوت ماند.

استقبال پرشوری که در ابتدا

نسبت به آثار ولستون کرافت به وجود آمد به واسطه چاپ خاطرات شوهرش (۱۷۸۹)، همگی به یاد رفت. خواننده، یک باره با جزئیات زندگی خصوصی او روبرو می شود و درمی یابد آن چه را که کرافت سعی داشت در «حقانیت» بر زبان آورد عملاً رد کرده است. او بر گروهی اندک از زنان عصر ویکتوریا تاثیر مطلوبی نهاد، اما بسیاری دیگر او را درس عبرت هولناکی علیه احساسی گرایی کنترل نشده، می دادند.

«حقانیت» بیش از این که الهام بخش گرایشات فمینیستی باشد، در یک دوره زمانی باعث واکنش های منفی و مقضوبانه شد و در مخالفت با آن کتاب هایی نیز نوشته شد. این کتاب ها با تمایل به طبقه متوسط و نگرش های کاتولیکی عملاً با پذیرش مردسالاری، زنان را دعوت به وقف خویشن برای خانه و خانواده می کردند. در این زمان نظریه «فضاهای مجزا» رواج گسترده ای یافت. براساس این نظریه مرد خود را در معرض خطرات موجود در محل کارش قرار می دهد و رفاه خانواده اش مهیا می کند. این مفهوم و نظریه مطمئناً برای زنان طبقه کارگر که برای سیر کردن شکم فرزندان شان به دستمزدهای کم خود وابسته بودند یا بسیاری از زنان مجرد طبقه متوسط که مجبور به کار بودند، هیچ معنایی نداشت، اما به عنوان یک تصویر ایده آل، جاذبه قابل ملاحظه ای در بیداری و احیا نهضت انجیلی که از اواخر قرن هجده آغاز شده بود، گذاشت. نهضت انجیلی از نتایج انقلاب صنعتی و به ویژه اختراع ماشین آلات خیاطی و پارچه بافی بود. اختراع این ماشین آلات باعث شد که مشغولیات سنتی زنان همچون پارچه بافی و خیاطی از خانه ها به کارخانه ها منتقل شده و زنان مشغولیات خود را از دست بدهند، در نتیجه نسل جدیدی از طبقه متوسط ایجاد شد که در تمام روز هیچ کار اضطرابی و مهمی برای انجام نداشتند. کتاب های خاتم الیس، یکی از مبلغین این نهضت، درست در لحظه مناسب پیدایشان شد تا به این زنان به عنوان عاملان موثر اخلاق در جامعه، اعتماد به نفس بدهد. می گویند وی از زنان به عنوان «مخلوقات نسبی» یاد می کند، یعنی اینکه آنها، به عنوان موجوداتی مشخص هیچ اهمیتی ندارند، بلکه ارتباط آنان با والدین، شوهر و فرزندان شان به آن ها نقش اجتماعی می بخشد.

ادامه دارد

(۱) مری ولستون کرافت نویسنده و مبارز انگلیسی به عنوان اولین زن فمینیست در «موج اول» جنبش فمینیستی شناخته شده است.

داده و از آنان شهروندان خردمندتری بسازد. پیش از همه، او هیچ تصویری از امکان فروگذاریدن وظایف خانگی یا اقداماتی تندروانه همچون کسب رای، نداشت. میریام کرانیک از ویراستاران آثار اخیر او می گوید: «زن ایده آلی که در «حقانیت» ترسیم شده، فعال و باهوش است، مسئولیت های خانوادگی و شهروندی را درهم می آمیزد و از مشقت و قناعت حقیرانه آزاد است». بنابراین مبارزه ولستون کرافت عمدتاً علیه روش هایی است که جامعه از طریق آنها، مثلاً از طریق آموزش های نامناسب و گمراه کننده برای دختران جوان، ساختار زنانگی را بنامی نهد. او نه تنها بر کار زنان در بیرون از خانه به عنوان معلم های سرخانه و خواهرانی که مدارس را می چرخاند، تاکید دارد، بلکه یادآوری می کند که باید از تاثیرات زود هنگام نظام های فکری و اخلاقی بر زنان، یعنی زمانی که هنوز دختران جوانی هستند، جلوگیری کرد. کرافت اگر چه پذیرفته بود که زنان طبقه متوسط باید ازدواج کرده و درخانه همسر بمانند، اما می خواست دختران جهت آمادگی برای استقلال مالی آموزش ببینند تا بیش از توانایی اغوا کردن شوهرانشان، دارای آزادی و تشخیص هم باشند. هدف آشکار او در «مقدمه» اش، نشان دادن این امر است که «وجاهت، فرودست پاکدامنی قرار می گیرد». و نیز آن که «نخستین هدف یک جاه طلبی قابل ستایش، کسب شخصیت به عنوان موجودی انسانی، صرف نظر از تفاوت های جنسیتی است». او زنان را موجوداتی می دید که در مقابل رفتارهای اغواگرانه و شوالیه وار همواران مردشان، خوار و خفیف شده اند، اما اگر متوجه باشیم که «حقانیت» برنامه ای نیز جهت یک اصلاح طلبی عملی و فراگیر عرضه کند، ناامید خواهیم شد. گرچه کتاب لودر ذات خود و به شیوه هایی، طالب انقلاب است. با این همه، هدف اصلی او ایجاد نمونه ای از مدارس دولتی بود، مدارس روزانه کمک آموزشی، به نحوی که دختران و پسران بتوانند توانمندی در کنار یکدیگر به تحصیل بپردازند. ولستون کرافت امیلوار بود تا از این طریق بسیاری از مسائل مخرب و آسیب رسان در روابط دختران و پسران ریشه کن شود. او در انتهای بحث اش اشاره می کند که زنان باید در آینده به عنوان پزشک آموزش ببینند، داد و ستد را دنبال کنند یا تحصیل سیاست کنند.



مری ولستون کرافت

در شماره قبل با تصویری کلی از موج اول فمینیسم، درآمد، شروع کردیم و در این شماره با ارائه ترجمه مقاله ای از «والری ساندروز» در مورد موج اول فمینیسم که حاوی جزئیات بیشتری در باره این دوره تاریخی از جنبش زنان است، مبحث موج اول فمینیسم را پی می گیریم.

والری ساندروز مدیر گروه انگلیسی در دانشگاه هال و

متخصص ادبیات ویکتوریایی و ادبیات زنان است. از تالیفات وی می توان «زندگی خصوصی زنان ویکتوریایی» (۱۹۸۹) و «فرهنگ خواهر. برادری در ادبیات قرن نوزدهم» (۲۰۰۲) را نام برد.

فمینیسم مدرن با کتاب «حقانیت حقوق زن» (۱۷۹۲) اثر مری ولستون کرافت (۱) آغاز شد. آن بی صبری شدید و توهینی که نصیب مولف کتاب شد، امروزه تقریباً از یاد رفته است. چه، مباحث کتاب به گونه ای بود که از جزئیات رنگارنگ زندگی خود ولستون کرافت و اهمیت فردی او به عنوان نمادی از جنبش زنانه، کمتر اهمیت داشت. همگان آرزوی ناکام وی برای عشق و استقلال مالی، رابطه عاشقانه ناموفق اش، اقدام های متناوبش برای خودکشی، ازدواج و مرگ نابهنگامش به دنبال زایمانی سخت در سال ۱۷۹۷، را به یاد می آورند. اما شاید کم تر کسی به خاطر داشته باشد که او قاطعانه از مشکلات زنان در سال های پایانی قرن هجدهم، سخن گفت. با این همه ارتباط بین زندگی خصوصی و نوشتاری او ارتباطی حیاتی است.

فمینیسم قرن نوزدهم برای پاسخ به مشکلات خاصی که زنان در زندگی آن دوره با آن مواجه بودند به وجود آمد. یعنی دورانی که پرداختن به شخصیت های برجسته زنان مبارز برای دستیابی به تعریفی مشخص، به پایان رسیده بود. به رغم اینکه در انتهای قرن، تجدید نظرانی عمده انجام شده بود، ولی اصطلاحات «فمینیست» و «فمینیسم» تازه طرح شده بودند. به نظر می رسد این جریان، طرحی ناپیوسته، نامطمئن و نالاستوار بود که مبارزان حقوق زن، در دورانی که به آن خواهیم پرداخت، آن را وضع کردند.

نظریه پردازان

حقانیت ولستون کرافت از آشوب های سیاسی و اجتماعی نشأت گرفت که انقلابیون فرانسوی بانی اش بودند. گرچه رسالت پیشا فمینیستی دیگری نظیر «پیش نهاد جدی به بانوان» (۱۶۹۴) مری استل، هم در دسترس بود، اما کتاب کرافت برای اولین بار و به طور صریح ضرورت وجود عاملی وحدت بخش برای زنان طبقه متوسط و به خصوص مادران را به عنوان مهم ترین قشر تاثیر گذار بر جامعه، مطرح نمود. او بر ارتقا آگاهی زنان تاکید و اعلام می کرد تازمانی که زنان آموزش های بهتری ندیده اند، پیشرفت ارزش های انسانی و شکوفایی معارف باید مورد بررسی های مداوم قرار گیرند. ولستون کرافت قصد نداشت زنان را فرادست مردان قرار دهد، بلکه می خواست توانمندی های فکری و اخلاقی زنان را ارتقا